. الله ما المعلم الول المنظم المعلم المنظم المنظم

ملعه جهارم

محل اداره : طهران خيا بان علاء الدو له

همه پیش برد 💮 🖟 💮

او د هزار تلمبار داشت .

أُ تَا چُند سَالَ قبل كيلان بيش از

🧀 ولى بى اطلاعۍ مردم و عدم

توجه حکومت روزکار ما را تندیر

داد ـ تخم نوغان عثما ني را كه

دقت لازمر ور ان نبی شد و همیشه

قسمتی از ان مریض بو د تجار یونا نی

رواج دادند - ابریشم کاری دوچار

هزار بليه شد وسأل بشال عقب رفت

بالآخره دوستان بلشويك ما تشريف

أور دند\_كبلان زير يائ انقلاب افتاد

و رعایا غالب درخت های توت را

ميزم كردندا المراجعة المادات

🔆 نتیجه : گیلان که شالی دوبست

و ثنجاه تا سیمید هزار فوطی تخم

نوغان مصرف مي كرد امسال = از

قراری که می شنویم 🛨 سی هزار

حال تكليف جيست ? أيد

نشست و فقر کیلائی رأ تماشا کر د ع

یا باید فور آ عده شی را مامور کرد

كه ببينند امسال خه الداماني ممكن

است - با اشخامی که بعلت نداشتن

سرمایه چشم از ابریشم کاری پوشیده

آند چه ممامله باید کرد \_ چه کمکی

بان ما باید داد .

بملاوه از برای سال اتبه چه تهیه

وابد ديد . در اغلب نقاط أبران مي

شود ابریشم بعملی اورد . برای

ترويج اين رشته كار بچه وساللي درت

بايد زد ده سال قبل ژاپون بيست و

دُو ،در۔ ، نو غان داشت آکر ما دوسه

مدرسه آبریشم کاری اسس کنیم کفر

غواهد شد و ا

عثماً ني بوسيله يك اداره

مَّخْصُوصَ ابن كَا رَ دُرَ طَرَفَ بُيسَتُّ

سال محصول ابريشم خو درادو برا بركره .

ماناصبح زوزقيامت بايد چرت زنيم ج

ولي اقلى رئيس الوزرا براي اين

اقدامات وزیر کاری لازم است نه

وجيه المله 🖖 🦠 ( داور 🖟

قوملی هم بکار نغواهد برد ر

### ما د واشت پومند

#### 

بنا بقول یکی از مصنفین ار ویائی اهالی کیلان کرم ابریشهرا ازمخلوقات عهد بنی لیزائیل می د انند :

از آن گرم هائی که در بدن خضرت ايوب پيدا دده .

همچو عقیده ئی در کیلان هست یا نه ما کار نداریم - ازبدن حضرت ايوب يا ال چين از هر كما كه اين حيوان به مملكت سا امده وافد غوش أمده

هو احصائیه چند سال قبل ـــ یک نیم مادرات ما ان برکت وجود النيمي أبن بشام ومنسويعات ابر بشعى است وقتی که ملت آیر آن هنوز به كيب ميايت مدارى، منتخي نشده بوالي مشروطيت والاداشت ووقتلي را برجز خواني وقسم خوردن به استغوان مزحوم دار بوش نبي کهوانید 🛶 در دوست و پنجاه و چهار خال پیش تسمحصول ابریشمش به شهٔ فرور و جهار صد هزار کیلو مي د سيد . يه المنتاد و اسه سال قبل احاصل

کیلو کرام ہود الانده سالييش - بمد از جين

ابر مشمش باز دو کرور و بیست هزار

( کی وہ در ۱۱۶،۸۰۰ کیلو ) ڈابون ( ٧٠٠٠ - ١٠٠٠) أبنا ليا ( ٥٠٠٠، ٤٠٤٠ ڪيلو ) مندو سان ( ۱٫۱۰۰٬۰۰۰ حکیلو ) مند و حین ( ۱٬۰۰۰٬۰۰۰ کیلو ) فرا اسه ( ۲۰۰٫۰۰۰ کیلو ) از کستان ( ۹۰۰٬۰۰۰ کیلو ) آسای عنها بی ( ۲۵۰۰۰۰۰ حکیلو ) ایران می آمد و ( ۰۰۰,۰۰۰ ) كبلو أبر يشم يعمل

باین تر تیب ایران در میان ممالك ابریشم کار در زدیف نهم و از اطریش و اسپانیا ہے کر تقال و سویس ہے۔ انكلستان و المان = رو ما ني و سریستان و لمنار و بو نان . حم رو سیه و قفقاز و ممالك امريكاي شمالي و

#### مرکز سے و جنوای == مصر و گرہ الماست ورغاره الم و طرابلس والجزاير و مراكش - از

### در اطراف سلح

11111

ژن خبر یکی از جرابه معروف از بحکی از مطلمين سؤال كردم مود : تصور مي محاليد كافرانس حقدر طول خواهد كشيد السيدي

الله - ۲۶ ساعت یا جواد ماه ـ ۱ 🕺 ۲۶ — ساعت اکر اختلا قا تی در قضاباي أسليمثل برصميت شاختن دوات ورس إمساله عود نامه ووساى ياش نيايد كه كنفرانس وا يوم يزند إلى المراجع الما المراجع الما

﴿ خَيْرًا وَ مَامَاكُمْ كَلِيَّهُ مُسَائِلًا تَمُحُتُّ مِنْ الْمَهُ مِ ىر آبە :

فطلع مزبور أسور نكرده يودكمكن أست كافرانس مدتي طول بكشد و تنبيجه هد البخشد يطوريك جول در فكن كافرانس جديدي Ain Ain

ا روید ) امزوز ابر میدهد حکه مر بارامان المكيس بيدامله كريه الله كه جون ز حسكانوا إلى لوزان البيعة حسكوفته اعدمنا خوب است کنفرانس حد بدی تعکیل .دهند ويشنها م مربور مورث ميوب است ا زيرا هم كينفرانس تشكيل، شود عان المنيحة كلنفر انس لوزان وا خواهد واد . ب توامطه أجديد كنفرا الن عكن نبيت آمنا يا را حل كراه · \* \* \* \* \* \* \* \* \* \* \*

الله المرافين بايد الفاريات الخود واستبيروها تا اصلاح المكان المذير دود الله الله الله الله الله وفي ابن قبيل بيهم ادات عدم قصيم طرفين را أأبت م كندوابن عدم تسميد المجاهدي ازجلك وبريشانئ أوضاعا فتصادى دلياو مخصوصا اروبا امت من بوادها همين خستي وو بيثاني مبئوان امبدوار بودكه مار نبناز تقاضعا ي خود كالمنه و دنيا موفق بايجاد ساخ بشود

مُدَّلُهُ ووهم أَرَمُ أَرْمُ كَدْبُ شَدْتُكُودُهُ اطريه داروزك اين اضه بوسية مداكرات بين الملى عملن است إصلاح شود داود رفته وقدد العافل سياسي أرويا طرف . توبعه والع **ب**ثود المراجع ا

بموجب اخبار دو يتردر بإرايان الكابس يَّيْتُنْهَا دَ شَدَهُ ﴿ إِسْتَ كُوْ مَسْئُلُهُ فَرَائِسُهُ ۚ وَ ٱلْهَالَ ا رَجُوعٍ به مجمع أَمَاق مَلَل بِشُود تَا أَمَل فَنْ بِس از دوت كامل ممين كند أايان جه ممانع از خرامات وا مبتواند آدر، گند 💮 🍀 اکر فرا بسه پیشنهاد نوق را قبول کند

مبتوان امید داشت که مسله غرامات اصفیه 

ما الميت الما الما الما الما الما المات ال مجم انفاق ملل خواهد افزود و در آنیه ممكن أست موفقيت ألم در نسويه اخالافات بينالل حامل كند

الوقت عجم أنفاق مال كه يزدكتون حامى حقوق مال ضعفه أست نيرومند شده در عُل فضابای عالم عامل بزرگی خواهدشد

## وارالتوراي عي

﴿ خَلَامُهُ مَذَاكُرُاتُ وَرُ خَلُّمُهُ يُومُ بِكُنْهُ وَ ۲۹ دل ۱۳۰۱ لله کاره ۱۸ در

﴿ جِلْسُ دُوسَاعَتُ قِبْلُ ازْ ظَهْرُدُرُ تُحْتُ رياءت آقاى موتمراللك أشكبل شد 🖟 👡

﴿ بِدُوا فَهَايِنْدُهُ بِلُوجِسْنَانَ شُرَحَ مُفْصِلُ دَا بُنَّ ا ار موقعیت الوجستان و اهمیت اقاصادی، و سهاسی آن بهان و اظهار داشت ک، برای اصلاح أمور باوجسةان بمترين طريقه أيناست که یك ففر از جانب دوات به معیت بنده بان جا قرستاده شود قا مشاراليه وَضْعَبِت آنجاراً كاملا مشاهده ورابرتي تقديم دارد و ميثت دوات ممم بطوري حجه مقتضى مى دالد برای تکمیل نفوذ و اقلدان خود و راحتی

اهالي آن جا اقدامات لازمه بنيايد در خانمه مم استمما كردند كه جون بلومهان القطه مهم أحت و يك ينز وكيل الم توالد كاملاء روابعا أن جا را با مرسيكي محفوظ داود خوب است حق آنتخاب ، فنرر وكيل إهالي کنجا داده شود- و این این این سیس بکی داکر از وکلا در خبوس

موقعیت علیج فارس و سواحل آن شهری ظهار و جلب ټوچه ايپايندکان دا پيرا لهما و آماط دور دست محلکت خواستارشدای ه پس از آن ماده سوم طرب قالولی مأسوحات وطني مسكه يكمسيون وجوع واردر نجا بطريق ذبل إملاح شدم دوه معلي

و زاد کرد در از این این این این ی ماده موم 🗕 نظف کننده از این قانوناز م روزي محكوم كر مديك مقرق

خواهد بود ه از طرف عالنین اظهاد شد که این ك مسئله وحدائي است و حالا كا يشكل بك قانوای در آمده اقلا طوری باشد که عملی المود

موافق ن عقیده داشند که این کسرسدی یك به نسبت ختوق است و مجازات زیادی است ارای کسی که از ایك قانونی اخاف 

مذاکره در ماده کانی و جندین فقره پیشنهاهات شده بودکه بش از قراآت و توضیح اخذ رأى شده وقابل توجه كرديدلد

بك فاره يشمره شده بود كه محمير كمسبون آن وا قبول وبجاي ماده الحذ واي

شده قسویب گردید . همرای مقخاف از این قانون در ۲ ما اول از قرار من روز تعفلف کے۔ری حادَى نبم حَتَوقي ماهاله أُو يَسَى از أَنْ كَسَمِ صد بك حقوق مأهانه إلى ،

و از آن دو شود کامات برحسب نقاضای ای از آنمایندکان مخبر کمسیون توضیح ُداد که ( موقع اشتقال بخدمت وسی اوقائی است که در اداره برای گار حاضر میشوند ) " أَبْضُرُهُ فِيعَلْمِادُ شَدُّهُ بُود كُهُ مَامُورِين دولت مقيم خارج أزاين قالون مستقسا اشند

در این تبصره قدری ناکره و اخذرای شده در دفعه اول مشكوك و در دفعه أسالي

( ٢) رجب المرجب ١٩٤١ ( ١٩ ) نوريه ١٩٢٣ (

مالیا آنه شیماهه د اخله که د فران ۵۵ قران خارجه که بملاوه اجرت پست

قبمت تك شهاره تا يك ماه كي شاهي است

این روزنامه بدون تقاشای کتبی برای کسی ارسال امیشود

بطرح قااونى مذكور اخذ راى عدمو تمریب کردید 🐩 🎨

أ سُسِ وَاهْرَتُ كُمْمَاوُنُ اوْدُجُهُ وَاحِمْعُ بِهُ احافه ۱۷ تومان پر ۱۳ آرمان شهر پهمرخوم اقا سید حسین اردیبلی و 7 قومان اضافه بردوازده تومان الهرية ورقه مهجوم مدخار الدولة ،طرح و بسازمخصر أوضيحاني از روز پیش آنهاد دوات آخذ رای شد. و باکمتریت ٦٦ رای نصریب شد

الم بد از آن رابرت کسپون،ودبراجع بورته آتا سایم سنگ که میلی براین بود که بوزارت ماابه اجلاه فاده تدود که جنس را عِلًّا إِنَّ حَقّ الأَرْضُ لِهُ مُدَّارُ أَلِّهِم تَسليم لهاود قرائت و قدري مذاكره وبيش تهادشد ة تنزون دولت جديد دراين موجوجي عوم – ابن چھواہ خورے و برای ہیں نظریه درات جدید متوی عابد بردن را و با آب روز با با والعواجا م بغروب و دساودوا آقی زئیس:۲پیشنگ

را موکول به رای لازدگان کردند 🚅 🖳 كسبون بودجه هز خصوص بولصية العبطوف كافدى قرائت أكرداد وبي برايك يوديه ورز وزارت عليه كالمراحدة والمركز الوا ظهار داشتد كه عمده عات تموق الهن بوديه برده أنت و حالا تهديد كرفته عد حجه بودج مارف جزا طبع و قديم خود در خموس دستوریش نهاداتوشد که

و کوگرد جزایر مرحز دبین و پیمیه میتور

تسویب نکردود و بلایحه خورای دولتی اخذ رای عده نموید شد - آقای رئیس در جووب بی در نفر از نیابندگان اظهار داشتند له راجع قدمت لوجيدان وغيره از روزي كم إركرام دولت إحجلس ميايد بايس صحبت شود و راجع باهالی آروی خد پدولت نوشه خواهد شد لايج غزانه داريهم بايسي ازكارف دوات جدید تناشای فوریت غود

حلمه تبمساعت بمد از ظهرخانمه إذت

# اخارشري

### مداخلات تحصلداران

الْ فَيرُورَ كُوه بِوزَارِت واخله الحلاع مى دهند كه تحصيل دار أن ماليه مداخله بامور أت كد خدا يان أن جا تموده و قصد دا رند كدخدايان را نعبر و تبديل بدهند و ابن مسئة باعث اغتشاشمي شود ازوزارت دأخله يُوزارت ماليه توشنه أشد كه در أين حصوس ازمير بكاهلد مافقين هده آلها راية ده فرولد.

القصان خواهلد داد مشروط برازنك سدودي

یرای کنجاش و مارفیت آاما معین تشود <sub>«</sub>

(4.4)

زین ) در محافل و سمی عثمانی از اینکه ساله ،

ازمير بطور شرافتملدي برأي طرفين تصفيه تند

كيسرهاى طلى منفقين مشفول ثميه بإدداشتي يه

مضمون دول برای دولت عثمانی می باشد :

نفقين نعى تواأند شرايطو حدودى كاعثمالي

ای خبرکات کشی های جاکی معبن کرده

بول کنند و خاطر اولیای دولت عثیانی و ا

معاط الى كه از اسب ( مين ) در آب

ی مجاور ازمیر تولید شده جاب ولی در

عین حال اشمار میدارند حسکه پس از امضای

الماحده صابع عنياني مطلقا در تميين شرايط

شدح مصاحبه و فیق چیچی در ا

ا با نما يندگان معليو عات

ورود کشق مای جلکی آزاد خواهد بود

مورخه ۱۷ فوری ۱۹۲۴ م

بر حسب مندرجات حریده ( بق باری

مسابقه ا

ازدواج دو سورت دارد یک مبنی بر عشق سوری و هوای افسانی است پدین

طریق طرفین صفات ذشت و زیبای بکدیکر را از فرط عشق تعنواهند دید این ازدواج

" عند أو دوى علل و مال الديش مواصلت واقسم نشد. و الحاب مورث بر مم

مييسيندسيد دوم هينك جوالى ملافت شد بدون استعانت زن نمى تواند تهيه خاندانى نمسايد

خواستار بهر جا روانه می کسند و در این مقامه بر می آیدسکه همسری مطابق سابقه

الماد اكر مرد فعائل دارد و دختر طواستاري شده عد اگر فاضه باند طرفين

تحتبقاني از اخلاق و، دانش همسر خود منهاباد . المجانية به مهدم مدين و المهدم

اکلسایی دانی آاست که مرد عاقل سالم احیب با محبت وفا داو وطن پرست بوده

در دوره جوانی و عنفوان زادگای مزاج خویشتن را برمان مسریه که باعث پدیخی و

مقات اکسابی مهد این است که علاوه در دیانت و پرمیز کاری و دوری از

أحمال ١١ مشروع سرمايه اش علم يا صنعت باشد كه غيز السان و حيوان و يكانه وسيله اعاشة

و دوام خالدان است دوم تكرار عبال وا جايل قداند زيرا تكرار عبال ملاقه مرد وا به

رَيًا شوئي منشب و ميجوفت بواسله الحلاف أولاد عائله را يا عيت براى خانوادكي تهيه

يقبيم حق شاس بوده تسور تسكند زنا شوئي اراي هوس والي دو روزه است بلك

بطائد در آنبه تزدیک اولاد اسیل و تعیب برای تشکیل عالو اده مای دیکر باید تهیه و

الربيت الماية كم حبيَّت بك ملى بدان منوط و مربوط الت . در ابن جا أمول واشرط

فراد في دهم ديراً مردى كا فاقد صفات مذكوره باند مبليون ما دارائي مهمان ول

عَرْجِي بِكُ رُورُهِ أَو خُواهِد بُودُ و دَيْجَكُمْ إِلَاكُ سَنْسَ أَبِد مُنَاسِبٌ ۚ إِ سَنْ زُلْسَ إِلَالُهُ

الن است عبده من در حتى جواني كه بتواند دوم خوبي باشد متاسناله إمروزه احسكر"

حوى وهكالي سكند حما بابد فرمني انتخاب نمايد له داراي مفات فبل باعد هوجن

عاولاتان کاینه سان و کاینو اندان اوقارون مسلك بی هده ، و وجدان اجنبی برست

عليم ور مفقى وزد - نايت كار شعاش رعوم كد رين شرف إدبول يار معد إسكرات

و ترواله و قدار بهانه حو و طلاق وسند . این است یك مشت منانی كه عبط اسروزه

تمارك قدوده و بدون داشتن ابن صفات كي التي تواند امرار ماش و تبهد حكوب و كار

میرای خود ایکند مین در در اگر از فادیل همین اشد استد البته برایش چندان ناگو آن نیست نمن به بی

شرق مو دهد آما رك دختر عفره مجيب كدخداى ناكرده تحسيل هم كرده باشد عبور

أست بسودد و بسازد و تعمل مزاران علت و مشتت را بنهاید تا اسباب رفاه و آموده کی

شوعهای که هادای این طمائل است قر ادم سازدان و است

و حون در طبقه سوم است مورد توجه (دوارك)

المعواهد كرديد:

البرى - عدم البرى -

على في الرابي جواهد كي فو و هسري الثبتاب نهايد و در ابن علك با جريان إخلاق

حيارم احترامات هسر خويش را كاملا مراعات و نيزاكت كلار را از درت لدعد

في تمايد بلك هميشه وسيه اختلاف و المقراض عم دود ماني است

فقاهت همسر و اخلاف بی کساهش واقع می شود ،بقلا نگرده باشد :

مقيده من اگر مرد داراي صفات ديل باشد از مر حيث شوهر خوبي است

صفات مرد خوب را گوینه بدو قسم تقسیم می حکتم بی ذاتی و دیگری

اول بلغل درخشنده و خرب آمده اما عاقبت وخبى دارد

المراف كفراني لوزان المراف كفراني لوزان

الكاسان .. - وزير فوالله عامه فرائمة

ووورای انگلیس ملَّه ل مذاخت رأهٔ دریساب أُ

نشارت فرانت ورا راه آهن مامانه الله الله

انكايس در آل اف مي باشند تا باين وساله

الحمينان از حسن جريان راء هاي آهن حاصل

کند : ﴿ ﴿ اِنَّ اللَّهُ اللَّ

آ لمان - كسبون عالى متنقبن تصميم

أرفته است ادارات كمرك نواحي اشفال شده

راً تَصْرُفُ كُندارُ سَالَ فَعَالَى وَفَرااْسَهُ وَ عِلْوَيْكَ

ادامه دارد و هم روز بمبزان پنجهزار آن

( تفريعاً بالزدم هزار طروار فرسناهم مبشود

(+ + +)

آليان -- خرايدعلى ووهر مى أورسالدكه

ڪر آت كه دوات الكليس اعمال افوذ در

كارتن فشال فراك له خواهد كرد جريده (بق

ورقال ﴾ اشعار نمي دارد كه مديركارخانجات

اعتبلس ]اظهار واشاه كي اطانت محاسره

مسكنون را تداريم و اكر وسايل حاليه را

برای مقاومت یکار بریم از میان خواهیدرفت

·(+·+)

APP MATERIAL AND A PART OF THE PART OF THE

امن کا ع مروق نامان دیل مبل )

جیم آوری اعله مرای اعالی ناحیه (در مین)

مينكارد كمتناخاي سنيركين المان مقبدوائنكتن

که ش کوبلد در قمعلن هستد باورخوش

White Commission was

الدند جرايد [ دبلي أبوس [ الماد

ماره که مداکرات بین وزیر فواید هامه

رالسه و وزداى انكاس بك درك موضب

نبود بلك منوز توانق ظر كامل عامل ننده

ات المرابع الم

A STATE OF THE STA

ی لندن ب حزب اجتماعبون به مجاس

بوتان پیشنهادی برخداشهال ( رومی) کرده

بود ، اینک پس از دو روز مذاکر، علی

مذکور آن را رد گرده است

[4.4)

ز مذاحکرات پارامان انگلیس پاید قدیجه 🔃 را امضا خرامند کرد 🖖 🐪 ( ره )

🌣 🕬 دَرُّ طَي مَذَاكرَأَتُ ﴿ مَلَمَلَيْ كَهُ دُرُجُهُاسِ

مَعْمُوا أَنْ أُرَاحِمُ بِمُعْمَالُهِ شَاهُ أَبِعِمُ أَلَّمُدُ إِحْرِيرِتَ]

ر خصوش كندرانس لؤزان گينين پېشنهاه

امود که خوب است کقیران جدیدی تشکیل

فوه و رجمت فشون الكليس را ازا الامبول

و الوكساون الله أيشام اله المود كه درسياست

الماون وزارت خارجة جوال اظهاردادت

الماجوجة سياست قوات فرا مقابل زوسية

مُؤْجِبُ اللَّمَاعِ خُسَكُنهُ رائسُ لُوزَانُ لِمُكُرِدُ إِلَّهُ وَا

و اهمات دولت افتروده ومن امیدوار باکه

مطمئن ميباشم كه "تركها بي با شتباء خود

خواهد برد و الاخره حكومت القراهماهده

مامورين عالى متنفين مقبم اسلا مبول

واغت مفقي منوان حكومت آنفر ارسال

هاشته وخاطر نشان قموده أاد كه جون قرار

( که در شنه ۱۹۱۸ متند دیم )

W. Pige 1 Let be the best can

٠٨١٠٠ خوامد کرد .

مَنْ قُمُورٌ مَيْمَانِمُ كُهُ أَيْنَ كَنْفُرَالِسَ بُرْحَبِيْتِ

دُولتْ رَاحِبُمْ بِهُ أَيْهَازُ أَهَا لُخَدِيدٌ لَظَرَىٰ إِمْسَ

أَيِدُ وَ كُنْفُرَالُسُ ۚ أَزَ لُو ۗ شُرَوْعٍ غُودٌ ۗ اللَّهُ

شكل جدى در نحت مطالمه قرار دهد

وسيدكى أموده و رفع مداخلات الحصيلداران المين ماليه مامور قد دوروز استوازد ومشنول مقایل لایکران عالی و امسال چند بن گنترالس داد جندی النابش و وسودكي مواشند ال قبل رئيس بكي از محاكم ك، از فحول

فهاسوف قرن هبجدهم است و جند ساءت

يس از مركش (۱۰ ماه مه ۱۷۷۸) محسه

اکنون قلب واثر در اطاقی است که

﴿ جُوابِ دَاد : دُر كِشُو مِيْرِشَ فِيدَا كُرُدُمْ مُ

و في كنت ; لابد دوهمين كنو هم آنوا جسنجو

خوامد کرد ۱ کنت: البته

الداعث أن والمراجع المراجع الم

گفت : نَا كَسَى لِبَاهُدِهِ ﴿ زُولُو اَبَدُّهُ \* ﴿ اَلَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ

كوياً ديشت سر تلك را در آن يا كذاشنه بود .

كَفَت : اما كُل آن جا را يك دُف زير و أرو

جواب داد : من إمروز صبح آن را تفنيش كردم.

أسكرت عض حكفرما است و نتيجه افكار

ير حسب اطلامي كمحاسل أموده ايم در چلد روز آن سه ننر از اهالی ووارم قوحان برای معامله به مجنورد آمده بودند ور مرابعت إ جهاران سارتي مصادف شده پس از زد و خورد صدو سروی م مقتول وُ يِكَ أَنْفُرٍ تُجِرُوْحَ شَدَهُ أَسَاتَ أَسِنَ أَزُ آنَ كُهُ حکومت بجلور دوماام شده ما، ور برای دستگیری آلها اعزام داشته است تاکید د ر پر داخت حقوق

تفل واين كه عدايه حمدون بواسط ارسيدن چندارج احتوق تعطیل نموده بودند ازوزارت عدابه يُؤرزارت ماليه اوعته شد كه قدعن نها الديمر الحرى كه شده حاوق ان حاراً بيرداز الدكم رفع قسليل بدود أأ

المراجعة الم أيموجب اطلامات وأصلهجم أزكد حدايان و ریش مفیدان اهالی اسفراین در تاکراف خانه وجنوره ملحصن از، تعدیات ۲۹ین مالیه عاکی مستقد می استان این استان ا ماران استان این استا

رحب على و دو المر سارق ديكر أ المعادرين المعالم النا ما وا دستكبر نموده بوداد در قامت استنطاق اعتراف به جهارده على سوقت أمود. كليالغ بر ساهزار فومان من شود از اطرف اداره المينات بماحبا أموال اطلاع داد شد كه آمده اشاء خودرادر

احارواول

🦠 شامهود 🗕 جو الذ روساي وحومين بسطام بتلكر افخاله أمده از تدديات مامورين ماليم تلكراقا ببغامات عاليه متغلم و يتحصن حستند بيون تبكم افخانه محل براي ايراجاع لداود ازكفيل حكومت الناخا شدد وكحوى له ممكن أست أنهارا از أحصن خارج قدايد قرح هم کلدم غروا ربی بانزده تومان جو دوازده تومان قمر ــ ميرزا حابون خان كه ازطرف وزارت ما له يراى تفقي ادارات ساليات مستقيد

سر نبك بلول

از عملیات ا رسن لوین )

﴿ وَإِكَاوَرَ مُوكُو ﴾ ابنى نزديك مخماله وكل

بود می اشست یه ( ویکنوار ) حسد دستور داده

بود که صبحها راپورت های خود را در آنجا به او

من بور المسلة و مشنول نحكر أبود كه ( وإكم توار )

با راکی پریده و حالی مضطرب رسیده او را به دکان

عطاری که در آن نزدیکی بود برد و از سیدی کامر

دمت داشت ، جبزی بیرون آ ورد با کال شهاب و

تشويش به أو داده كفت أ بكير و ابن عان حيريست

که عقبش می گردی 🐧 🍦 🖟 🍦

الو بن سر آنك يلور را كرفله و تسجيي هم آيه

ثمامتر كنت : واقعا وامت مي كوڻي ! اين همان

المنامرود - روز ۲۸ داو از طرف کنیل والمشمادان المث كخافرانسي راحع به قلب حکومت راپس کا بنه و رئیس اظمیه ورئیس ﴿ وَامْرًا ﴾ أَمِرَاد وهماكم، هَأَنَّى كُهُ جِرَاي بدست بلدیه بشکر افخانه آمده و روسای ماحستین آوردن أن ميان ورات السورت كرفته أبود آبیاطا میروا گراهی کردند که بروند در وسط بیان کرد . ( و اتر ) بزرکترین نویسنده و شهرا المزلى بكيرند أماحصابين وإشنى شده والماند بعد مراجعت نعوده إظهار داشاند ك مارف وثيس ماليه ومام توديد آميزي براي ا رسيده اوذا مجددا در تلكرا فعاله متحضن حاز ممروف سے مودون سے قالب دست اور را بر داشت و امروز در دوزه (آنور) 

استراباد - یکنفر تظامی که در بازار آمی ماشد ، سپس اطها بدن او وا شکافنند ياشعنس بقالي در موضوع خبرند جنس طرف ال ١٦ ادويه لازمه جبت ايوسيدن و الممطر مالدن شود را پورت قضیه از از بیاور آخد خان النجسد در آن ساشاد و در خین عمل قلب وأبين ادور داده الد الشامي و طرف را او را در آوردند و بيكي ازدوسان سميمي إداماكم خاص أوده خون من دُو أَقَصْير كار ﴿ وَلَمْ ﴾ دادلد كه يه خاله المؤود أويسنده وفيد فرنتر ال خانه من فو را عبازات وسد ( فرفرني وانع فرسر حد فرانسه وشويس ) شلاق زدلد 💮 🔆 🕬 🖎 💮 💮 مرد و اطاقی میخصوس برای نکامداوی آن ارتب داد او زوی ظرفی که قاب داران

تلكراف أزرشت المنافعة 

ور بایان ٔ استفانه های هیئت خبریه و و الله الله الله القالاب قرااسه مجلس شورای ملی قا اونی برای اتل حسد [واتر] تجار آخرين تظلم أخود وا دُوُ احقاق خاقي ا مَدْرُوعَ فَرَا رَاحِعِ إِذْ يُوطَى فِيْجِمَا عَيْ لِمُعْمَ اللهِ ﴿ بِالنَّاوِنِ ﴾ وضع كرد ﴿ بِإِنْنَاوِنَ مُعْبَدُ ۗ إ ولياى أدور المياساتيم آه أو أله أقرأه مجزه العنايي است نزديك دارالفنون اريق حدد ا به المجاع قر مسجد مجبور رقس منارف المخاص بزرك كه خدمت مهمي بفرا نله ا رئيس ماليسه الخار بعنافع خود شان حاضر الكرده اند در آن جا كذار دي ميشود أو در تبعلاد قرار دادي را كه أدمنا للوده أنداجري ا والاي سر در أن إحروف طلا توشله شده بايند قمنا داريم امن فرمانيدقرار دادمن بور ا كه لا وطن المنبت ومردمان بزوك سيا سكذار كالمقتمن ملاح منارفية المتابعوقم اجری گذاشته شود چنانید کادای ملعاجلا ای در این مونع قلب ولمتر از فرنی) موار واقع افود نا ليا ريم كه با قواى ماية الله باريس بردند ولى بعد بين اشخاسي كه خود هان مواد را اجرا این امانه اختیاری قلب در قسرفشان بود و کسانی که آن را وا از أله فاصان كرفله و إهمعاش برسا نبم المتدلق يعود ميد استند محاكمه ها شدولا غره طرف عجمين مسجد و فلكر أفخانا حمين فلب ولتر تقديم الميراطور نابللون سوم شد.

الى ذاهم المحود التي ذاهم الالمجابل علوى أوزير معارف روز ١٦ دُسامبر ١٨٦٤ بخاله اقل محقق رعقی معنی مودی می ایک قاب و لتر در آنما بود رفت و آن دا كرفته به كتابخانه على فاريني ببرد - دركلات اطّلاعات معرفه العامل مودون ) مذكور است :

است از الرسید : سر تنك را در کجا

بدوا نبول ای کرد که آن شبقی آنیس را پسه ا بیدا حسکردی ۹

قارهای ( هودون ) مددور است الله فلب اولتن ۱۰۰ وقلب ۱۱ مددوراخ کردند وقلب ۱ الله وزارت عدليه باربش المجمن أد بي الدر آلمجا جاد داد . درة حُت رُبا سُت مُبِسُو أَبُوانكاره رأبس الوزراي و غير وستقيم و أرسيدكي إشكا يات اها كي أز الحل تشكيل يافته أست سال كذشته بك نهايش

این آ-ای بجلک آورده باشد ، ولی حون بخوبی آن

وا أماينه كرد و مطمئن شدكه مان سر لنك مالوب

الله ، وایدا با آن که سابقه از او دردید. پودند ا

فرق اداره ٠

هَانَ سَرَ تَنْكُ يُودَ ﴿ أَيْدَا عَلَامِتَ عُصُوسَى أَـدَامُتَ كُهُ

آن را مورد توجه قرار دهد ه الله الله الله الله

اما از این سر تنك چیزی كشف امی شد اقط

لوین مرجه آن را زیر و رو کرد ، چینزی

ممهذا آن وا بعبيب لهادة در دل كفت و (زود

﴿ وَيُحَدُّوا ﴿ ﴾ أَرْ تَظْرَشُ دُورٍ أَشْدَهُ إِودَ وَهُ

دست گرش نشد و راهی برای کشف اسرار آن

آررا مخنی کے نہم کہ کسی آ، ابیند ا ) 🔐 🖟 🖟

پس آ همانه مخود را به او رسانیده گنت : ( ایت

در پشت این مدرسه و که کوچه خلوتی بود .

مدرسه ( والسن ) يكديكر به بينيم ، )

مابون ایران در علم عددهل شاه وطن پرستی و شجاعت بروز دادند ، در نتیج و لمغر ابز روابه شان ممتدل بود ولي اين صفات حيد، مانع نمي شدكه آن ها ليز از طرانه دوات استفادهٔ های شخصی کنند ۱ 💮 💮 🔞 💮 💮 💮

ارتداء حڪيفرما بود - خيزانه خالي – قروش بخارجه زياد – گير پودجه روز به وز در تزاید و در مقابل این ما موسسات مندرسه زمان استیداد باق ا مجلس دوم ب ابن اشکالات مواجه بود : تصمیم گرفت رویه جدیدی انخاذ کند .

opins in a white phylography is رَمَايًا - دَر زُمَانَ اسْتَبِدَادُ و مشروطه مُهُ دُو اللَّهُ يَجْبِرُو بِهُ تَأْدِيهُ مَالِيَانُهِ الْيَ هَسْتُنَدُ كُهُ

اليف شورة - خزانه داركل سابق ايران

رباب على أن أرا احاطه كرده است ، إ خاتمه ايافله است الازماست وسايل تأمينيه دوا افتهاس از ( فیکارو ) منابل عمرمات بيجاازطرق ويناللني ودر لمحت انظارت مجمع انفاق مال توبه امود و به حمین مناسبت بايد أذ توراي جيم ملل تناها فوت وزور عنار سابق امريكا سوء كه مراجه وودار كسيوان مراك الا معلسابق اطلاعات خشوسي كه حاصل مسل خوسره الميان نهايسه بها تعطيف أني استدراد پرداخت غرامات ازطرف آلمان أرده و طرية عمل الممالان المؤم وارد وبهدوات آمريكا هم بايد حوسية شود كابك

11:11. امهوز درمجاس وموثلن الطرف دسته المخبر عريده منعيتم كاردوات جابن اشعاري

(اسکویت و آزادی طلبان ملی اسلاحی به می دارند که در نتیجه صاحبه که بین وزیر لطنُّ افتناحيه شاه بسل خواهـ لد السد | فوايد عامه فرانسه و وارال وكالد بعمل ليد المدور أميرود كه اويد جرج و حانسيمون الجنبن الصميم كرفته شد كه كليه ممادر الموورة هم این اصلاح را تایید لیابنددر این لایحه ایسکشوری آ لمیان را از اس وساین تواحی حنين اشعار شده است أا زماني كه صابح ارون اشناله خارج كرده وبجاي آنان از مال فرانسوى قَامَيْنَ أَنشَدُهُ أَسْتَ وْتَاوْقَى كَا قَضْيَهُ قَرْمِيمُ ۚ بِلَذَارِلَدُ أَنْهُمُذَا مَقَاوَمَتْ مُنْفَيَازُ طُرِفَ إِهَالَى مُراماتُ أَزْ طَرِفَ قَرَاكُ وَ أَبَارَيكُ حَلَ الْمَانُ رُوزُ مُرُوزُ كُبُ عَدَّتَ مِنْ لَمَايِدُ وَ عَلَمَهُ

علت ابن بود حكه ابدا نظار أن در عالمة و جود اداشت : در دوا بر عالبة وشوة و

یك دیتار از آن برای آن ها خرج نمی شود ﴿ بیجارهٔ ها دائها مورد خمه و حیاول دزدان خارجی ( اشرار ) و دردان داخلی ( مامورین دوات ) میباشند

﴿ وَاتَ جَاهِلُ أَسَتَ ا فَكَالِنِي كَهُ إِرْعَهِدُهُ إِنْ مَلَّتَ مُشْرُوطُهُ خُوا. اسْتُ المَّهُ اللَّهُ الْ ور بزرگترین خطری که متوجه آن ها می شد این بود که تا بیا پند و وظا پفت طود را بشاسند استقلااتان معدوم شود . بنا بر أين مسوليت ايراني ها باللسية منورالفكر كه يه از خلع محمدعلی شاه زمام امور را در دست کرفتند زیاد سنکین بود . مثاسفاته آن هما هم مطابق حادث قيرينه زمامدًا رآن ايران – أين ممثّله را وسيله تُرقي شخص خُودٌ قرآر هاده الميد كساني را كه بالها اعتباد داشتند هيج گردند و الله الله العتباد داشتند هيچ گردند

انر خده برای حضور در این مسکسیون

أشده أست و عمليات آ الدور الحيهروس الله في موافقين بد وفتساوي لمي كلند ليه

أموده أيم مستر جان لارنس كالدول كه أسا أواخل سال ١٩٢١ مدت حقت سال وزير مختار امریکا در طهران بوده اند اخیرا در واشتكتن بدرود زندنا لي كسفته أست

اکر وقت کردم چند سطری دراین موضوع خواهد توشت الرسيد : آخر جه کسي آن را از جوب تسو

گفت : جـه می گوشی ا او عودش از معبد

آن وأت درت به بدل ( ويكنوار ) كذائنه

دراز مالمد و دست لوین از حیب بیرون قیلمد و روز مافیت کنت : سر تنك لیست ۱

پرسید : وقتی که آن را در کشو نه بینـــد چــه ﴿ وَيَكُمْ قُوارً ﴾ مَ وَحَشَ شَدَهُ كُفَتَ ؛ إِكُرَ أَنْ وَا آن جا نه بهند ، تقصیر را بکردن من خواهد

آن وقت شروع بعند. اموده گفت : حِبْرَى غَرِيْنِي است أ . ﴿ ، مَا كُولِمْ وَالْجِنْهِ طَرِفْ

هملید . . . رادق راستی این کار کار اجه است

ربوده است ۱ لاي مياره يا الرياسي التيان

گفت: پس زود آنرا بگر و بجای خودش ان پرواز گرده . . . . شاید هم آب شده وبرزمین برسان ا

لوین گفت ؛ کمر و و و این این این این این کفت و برو عزیزم و متوحش میاش و لاید وقت که س ولی دست ( و مسکنو ار ) پیش از چند دقیقه او آن را این دادی راود دید، و در ازدخام دکان ب

هنور بعاله نیابه و روشنانی چرانی در باغ دیدم به او راپورت داد که از کتجکاوی کشو مایز را آباز ویده است . سرحواب داد : هلوز اخوابیده بود : سرگفت : این ها یلمس های المیاات بوده الد . لوین بیش خود گفت : لابد آن کسی که سرکتلث يرو فنهزم و و البنه درب خالدرا بروى من خواهي او از من راوده و مثل من عقيده داشته الله كه

الما ترسيد : حملور ! مكر باز هم خيسال دارى به اطاق خود را وارسى مى گلد مثل اين كه ابدا اهمينى آن جا بیانی . . . كَانَتَ : اكبر بِهَانِم مكر عِه خُوامد شد ، المالق الت : پنج روز کذشت و لوین انشه جدیدی طرح

مطارئ أن خبيب من ربوده أند · همه ابن صا نابت [ السيد كانت ; بلبس ما نورا خواطد ديد ه أمى حسكالًا كه ما قر الحراف عُلود عاموسات أسياد العباد العبال العبال المدارة أناها عبال المديرات و ابن آتا تقد مثل سايرين و بدوا إناى عبين عاريم و هيجيك أو اعمال ما هد ير آن هما يوشيده [ سوقى در باره من داخلار تا بنجال معلوم شده بود . و لابه را كذائد ولى عاقبت بيست هزار فرالك به أيست ، هُن هُمَا عَلَى وَ وَ أَمَامَتُنَ وَاسَى اللَّهِ إِنَّا إِنَّ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ ال 

كفت ; جرأ , ديث وقى كه ( دو برك ) السد تب حيث لوين مضاعف عد . [ ويحكتوار ] لوين اذ طبقه دوم ، دو تفر را د يد كه در تار بكي اذ به كان بالا آمده و مقابل اطاق ( دوبرك ) تونف ور دل گفت: این ها چه خول دارنده ورود اله اطاق برای آن ما ممکن نیست ، خون که (دویرای)

مر شب درب را از داخل می بندد پس ایم آمید جای اورد یک آن دو آفر در عاب درب اطق و مشغول کاری بودند . لوین هم مدائی خفیفی پاوشش می خورد و خون درست کوش درد آین چند

بكي از آن ها مي كفت : فيام شد

مثاری ( مودرس ] تقویت خود باق عرع صاحب را ک وابق عام ان أست مقفين حق دارلد سفا بن طوه و روز و رود خود مسكو بالبايد كارس الد در آیمای اذبیر نکامداردر او در الت ديلا ابلاغ بهارد . ١ = ١١ روى مناهدك سا قرت اعد تلكراف واسل از اسلامبول حكى است مبقوام اظهار حسلم كا مو دين فاعد مواو بطوويك جرايد كفره اشعاد ميدارات فولت خرر والأسط لرحي والمعلوق ارك مر أصبح خود وابيع با نسداد بليادو مرمايه اذ قا لم علمة بلك عكل ين المال النصور (المسمئد وراي علين متنفيد وفي مبا عد فبط نبا سد علوا جان عد موا ين النان و ديا النان المناه ال عثماني - روز جه عسمت بانا وارد ٢ - المرز قر الأل حافظ اسلامبول شد - در آنجا بانمايلدكان عالى متنقين ماسى ارويا تمنيه منا سيات الكليس و قرانسه و المان قرار كرفته الله عند يت المايي اقدامات لازر، براي تسريع مسافرت و في أنيه هلوز المؤوز المعود، إست البكن اوبالفرم أفي راه اسك عهر ـ بعمل آمده امت بالوجود ابن خال مو مثا ثبات لايلو ماسي 

ه بكرى حواب مى داد : خوب و عالا بقيه كار لوین پیش از ا من چیزی نشنید . پس از لحظ،

دل کنت ; چه حکا بنی است ؟ و هویرك ، کلیه جنایات خود را در آین خانه بعمل می آورد ازپایس هم ایدا واحمه ای قدارد . . مردم مثل این که به کادوانس وارد شولد , به این با می آیند و می رولد و ( ویکنوار ) مرا داخل می کلد و زن دربان آژانها را دا، می دهد . م و هد اینها بجای خود این دو آذر دیکر که بوداد ۱ آیا آن ها به انتهائی منصودی در نظر دارند و یا این حسکه از جانب کسی مامور هنالد ؛ • • و المام الما 🐇 ماداد ظهر آن روز وتنی که (دویرنه) درخانه نیود 🐇 کلمه را هد شنید:

را به قردا می کفاریم . . . أن دونفر آمسته أز به كان سراؤير شده أز راهي سيء آمدهٔ بودند و مراجعت کردند .

واشق تسايم أولم بيك كرد. الد كه چنانچه آليان و فرا اسه مذاكراتي واحم بمقدة راو

عنمانی ها از شراط ورود سعاین حنی به داد ها و متحد ساختن موسدا ت و قدیره

عثمانی \_ کمسر های طلی ملفیز یاد و انزد بی انتصادی منباشد ، بی صلاحت

یس از رفتن آن ما ' لوین یه فکر فرو رفت

مَمَنَى كَهُ كَدُشْتُهُ ازْقَيْمِتْ خَرَيْدَ مُحَلِّ ١٢٠٩٠٠ ر

لَيْرِه براى سَاحَتْهَانُ بِنَاهِ صِيرَفَ شَدِه و يَاقْبِهِ تَ

خرید که به شمت هزار لیره بالغ می شود

ایش از ۱۸۰۰۰۰ لیره طرح شده است در

بودجة أمسال هد ٢٣ منارايرة براي تعميرات

و مصارف جزعی پیش بینی شده است و ۵

الله المراجع المراجع المراكية ميل

هزار لبره هم آلهد ساخامان جدبد شود

و أقريبا أمام مكنه ذكور بين النهرين مسلح

ميالغاد و المالية والمالية والمالية

ه ماکد یك قاحبه از برداخت ماایات

مستعزاف استنكاف مينمايد حكومت مركرى

بين النهرين ابن مسئله را تميير به طفانهي

کند . آدوفت است که طباد ات تطامی به حرکت

در میاند و مرور بنب اهالی را بجای

طود مينشائند و شماا ماليات را هم وصوله

میکلاد. در اینجا باید کفت که در موتی که

بین النهرین در دست امرکها بود همین

معامل و شاید اماملات شدید گری بااهالی بی

چاره بدول فيامد و المراجع المالية

🛊 🎏 بمضى اوقات انفاق 🗽 افند كه مصادر

امور على حرب أير در عدم تاديه مالوات

الفرك وبدايد المستمالية المستمالية المستمالية المستمالية المستمالية المستمالية المستمالية المستمالية المستمالية

مُعْلا وْنَقَ كُهُ دُرْ يُعْدَأُدُ أَبُودُمْ تُشْنَيْدُمْكُ

متصرف ( يعنى حاكم ) حله و مدله عماليات

كيدينوا باين تبرتيب حل كردة بودكه أزطرف

داران انكابشي هادو برابر ماليات مي كرفت

و از عالفین الکایس اصلا مطالبه رمالیات

Line of the state of the state

اعتاب بداليات سكرات بوسيه إمب

مادت کرده الد شیوخی که برای انجام لذا شاهای

حود به بنداد ميايند إغلب جواب ميشاولدك

اكر أطاعت فكنند قوائ هوائي بطروف آلها

خواحد رقت ميكي از هبن معابيخ حربدو

مُولِي كَهُ الحَرْفُ آوديد والله عُدَّةِ اوديواب

داده بود مندالم كه مارس ا دو عنظره بهب

قرار خواهید داد پطوریکا سابقا هم مادماید

المن حاد أاليرات روحي اين بسيا الكندن

ها بر اهالی خبل زیاد است ولی بهاوریکه

عنيده المرابعلا الميلي إكارق أز ووالأسال

ويش إذريب عي أرسند أمقابغ مرب شكايت

كرده الد كه ابن طرز حلك مقبرون مداك

نیست زیرا زان و اطغال بان ما هم پدون

هات آیاد. در زحت بساشند یکی از همین

مُعَايِخ بِسُ أَدْ أَبِنَ كُهُ خَانِواشُ سُوخَلُمُو آَسُمِالُهُ مُ

أس معدل بويراله شدة بود مدت اعتراض

کرده او مکمنو بی بهنوان «مواجمین اسکلیسی»

أوشقه بود كالحكر مردانكي داريد أزآسان

قرود آليد و مانند مردان يا بن بجلكبيد)

بنی اف مصادر اموز انگایشی که بنا

من مربوط "بود "جابن اظهار" داشت كه ما

مجبوربو ديم براى واداركر دن قبا للسركش متوسل

به بمن و طبارات تؤیم و حالیه دیگر آن

أفكندن الهاك مسلمه عادى شده و مثل ابن

است که درروی زمین یک چدم پلیس برای

در ۱٤ کر مرکذشته در یك روز مفت

الحيه أوا هدف أوب أقرار داديم خيلي كم

أَنْهَاقَ مَى افتد كَهَ بِكُ رُوزٌ بِكُذُرِد و طيارات

اظامى ما بسمت يك الحيه متقابي اروالد

لُوزَانَ تَقَاضَاي أَسْتُمْ ذُادُ الحَيَّةِ ﴿ وَصَلَّى وَاتَّمُودُهُ ۗ

أند در اين جالازم است خاطر نشان كنم

كه بابايد ، كليه تاحيه را در دُسُتُ ماشت ويا

ابن که بیزالتهرین زا تا آساحیه صره بگلی

الخليه والكروري والتي والتي المراجع والمناهدة والمناهدة

اسراف کاری مامور انکلیس در بغداد

ا مورنی که مزر جند روز قبل راجع

الله بأن كه أركها در كمنفرانس

حاظ اللظامات بفرستهم

سروان داشت د این مسامی شر مایه قرا اسه بِي أَوْ مَوْجُهِا تَ إَحَمَا لَ تَصْبِيًّا تَ أَبُرَاعِهَا مِنْهُ أَنَّ الْمُرَاعِ اسْتَقَرَّاوَ مناسبات باووسية كرديد

🤻 🏲 🏬 ماخر ای رور کشمکش وجدو حود غمیق در حیات شیا سی و اقتصا دی ﴾ ارويا توايد أمود و احتمال تميرودك أبن مدلله بی از مندمات متحد سا لحتن سناعت آ لما ن و فرائسه وا قع كرده مات العان أن شدت احساسات ملَّى قر رُحْمَت افتاده اللَّتُ ع مسالمداخله الكليس و عصوسا بالفاق أمَنْ يِكَا مُمْكُنَ يُؤُدُّ مُنِيْجِنَ أِمْسَالُحُهُ وَأَ مُسَالِمُكُ كردد ليكن فواتين من يور منوز أوسمه تضايا رًا نظا رَهُ مُعِكَنَدُ . إنسا في و مرديكي سياسي و اتتما دی این دو دو ات یکی او مومدین قينا يا ي سياست امروزه مي يا شد . الله الله أووراً ما نند كافراً اس لوزان نفا ق بين الكليس و فراند و المميقة

سأحمته و ما يه تفنر والزجار الميوزورسانيده

على فرديد تيست كه يعد اذ كنفر أن لوزان

مووه میار زه شد بد بین الکلیس و فر ا اسه

شروع خوامد شد المالية رة - جهوريهاي سلوني بكالبادوست ما وقاي الملل استمد إده ميادد در حيثي كه معدد كرون سربانه به بلك نكل بين المالىدر كاد سووت كرقتن إست در القطه مقا بل آن استعفارس و آزادی ملل سنددده العامی مسكرو تبليد كان متعدد مال شرقي در كانفرانس قوزأن مشاهده لمودندك جمورى هاىساوتى یکلته دوست باوقلی آنها است و مراندازه مسكنفوا نس اداءه مي يا فت اين وابطه مكدتم ص عبر مو المرائد على أغلب مما الك شر في مريع شد ك موقعيت ماي دييل ماري مثيالي در" **حڪ**نفرانس لوزان لٽيجه تقويت جما هير ساو نویود و نمایندگان ساوی تا آن سیخه

آغر موقدت عكى وراسله حشور خود برای عُلمانی ابنجاد کرده مودند ه جهوری های ساوتی بانجام وظنف و دول قارینی خود که دوسی تیام مال سامدید، و قيام ملاكه موجوديت أن ما ديا عاطره واتم شده و يا مورد حله ميباشند بيادرت

ورزيد . ٧ - قضيه بناز ها لاينحل ماند، رضع تزلزل آديز سياست قرالمه در لوذان أنمكاس ماحثات راجع بهرور بوده در نتيجه اقدامات ما در ضمن حريان كسنة رالس لوزان بين عافل سياسي فرالسه عنيدة المشار إفت كه افتتاح بفاؤها يراى سنائن جلى دكانه يسارت ديكم تسایم سحر آسود دوات الکلیس است که برای فرانسا فاندار دفرالسه والمااليار عثمالي اواسطه فرقبات سابق خود در ابی قضه مر بوطو علاقمند عستند با ابن حال اگر حنانجه دوره مَنَاكُرات دُيبِلُوماسي فِ عَنْمَانِي أَمِضَاي قَرَازُ دُاد مُومى خالمة يابد و الر در ابن مثلن منا قرارداد غیر قابل شخملی که در اور ن راجم يَهُ بِقَارِهُمَا لَمُهِمُ خَتُدُهُ الباشدُ أَمْضًا كُرُفَّةً دَرَهُمُ مسورت آن قسرار داد مسر ا طولاني مخواهد داشت و أنه تلها جريده الكارات عَنْهَالِي حَتَّى فَرَالِسَهُ هَا وَ الْبِطَالُهِا ثَبِهِمْ قُورَ أَبِنَ رَّمْهِنَهُ مِشْرِحُ فُوقَ أَظْمِارُ عَمْيِدُهُ مِي كَتَّلَا هُ أَنَّا الله ٨ - بدون ورديه مكن نيست سراسك بين الللي اصلاح كردد . موقعات ديملوماسي

ساوتی در این وضعیت پیجیده بی نظیر با

مهمترين المعشلات مشادف كرديد. است ما ما

در مین این که باوای املیت سرحدات و سواحل ا و راهمای دسترس سواحل ما "یدل مساعی کرده و بر تعایه هرگوله انظاهرانی که اساح عمومی را دچار مخاطرات ساخله نمرش میکنید و ملل سندید. و حقوق طای را که در مورد الهديد واقع مي دو لد دفاع و محافظت ميكليم در خان سال آباید مهمتزین قضیه اصروره وا که عبارت از تعقیه و رفع محاصره سهاسی و وتنسادى جاهير ساوتى كه منوز خانمه انباقته از تظمر دور داشله و فراموش کایم و برای جاهير ساوتي راه بلامانع مناسيات اقتصادى متقا يله أرا بإنهام أنمالك ﴿ يَازَ كَنِّهِم مَا يُعَالِمُهُ پاوسته میافیت داشته و جزئی ترین بازی های روزانه متخاصمین دنیا را از نظر هور الهائيم بدون روسيه ساوتي و مقحدين وي سیاستی در دنیا برقرار مخواهد کشت ودیکر قضيه بينالمالمي وجود تدارد كه روسه ومتحدين وى بتوالند لسبت بدان ببعلاقه بعاند اليم نمره کا ۸۰۰۶ کا راخان

### مطوعات عارجه

راز 🐇 حكومت أومنيله بسلة 🛰 هر محدوض جريده فيل ميل ( سُرُ بر سبوال أفلين ) كالميران تدرادمها جمت مسكرده و از طرف الجرايده مذكور مامور محقيقاني كدر اوضاع بين النهترين يوده ألت جِند مُقَالُهُ ﴿ وَاجْمَ مِطْلَانًا تُدُودُ وَرَ ۗ أَنَّ منوان ( حكومت أوريله المن ) مياعد ، در مقاله المذكوره مشار البه اشمار وبداود ك روزی نیست که طیارات بانکایسی در حرکت

واعتراضات بدول مربهانه کاوایای آ.وربخواهند بیاورند

المسلمات المير أفيصل عكن قيشت الدون أبول ادامه داشته باشد ، فهمين مفاسيت احم نبائی که یك حاکم محلی یاکمك مستشارانگلمسی المتواند عايدات را جم آوري المايد أهافورا تهديدًا إعمال جبر وقوه ميامايند • زيرا تنها قُوهُ عَلَىٰ كَهُ أُدرُ اطراف مُوجُودٌ أَسَتُ قُوايَ بِلْبِسْ لَمِينَاعُدُ و آلما هم نمالوالله إلى قبايل

از حرابد الكابس

ای کاش به بین النهرین فرفته بودیم ناحبه نكاشته و . قاله أخير وي در تحت نباشد و بك المله وا معرض بمواى المال خود برائ جم آوری مالیات قسرار قدمند وأجع إدتناهاي تمركها برائ استرداد مُوصَل مُمْرَى الله خاطر اشان مِنْمَايِد كُلُ در فيورتيكا بالمخرافيم ابن ناحيهرا ممتردداريم الازم الست كه الز كابه اراضي أين النوريان باستثناى منطقه إصرة خاريج شويم در اين أسوزأت أسلطات المثير فيصل تعنما بمكن أنخواهد عد ادامه بيدا كلد و الله الله الله

بكي از عال عده "حكمرالي إوسيه المب در بین النمرین خیم آوری مالبات از اعراب باخی و شرکش میراشد الله الله الله الله مسقوليت ابتكار باحكومت عداد ات

ا باغی و نشرگش که حاشر ایسانه کسی در امور آنها مُدَاخِهِ نَهَابِدُ دَاخِلُ كَشَكْشُ شُونُهُ

المراين حالت عاكم عمل أز أنداد المتمداد ميطليد كه انتظامات را عردت دُهد بدينطريق اهالي دائمنا در عنصه و إضطراب حمالد

الكليس دُر بقداد در مجلس ميمودان قرائت شد یا ارقامی که در آن جا یمن کفته شده اود خیلی تفاوت دارد و اماوری که شایده بودم روی همرفته کابه مخارج ساختمان و تزبین و تهیه آثا آیه عرارت سکوای سر هرسی

به مخاوج کراف حمارت مسکونی مامور طلی

كاكس يه ١٩٥ مزارايره بالغ شده است بدين

### املان

يراى ترويج مال اللجاره براى إيكه طالبين ببزحت كردش و تجسن و بالاخره منهوایت و ممبوب بودن اجاس دچار اشوند اعلان مناسب نرین طبقه است و ا The state of the s

الله متمقله مسئله اعلان القدري كسب اهات كرده كه مؤسسات بنزركي برأى ابن کار شکیل داده اند

الله المرافث أخيرا براي الجراء مُعاريات فوق ،ؤسسة بنام و شركت شاهلفاهي اعلامات ، ناسیس شده و هر کونه اعلانای که در مریك از جراید بخواهند درج شود می ید پرد . . یکانه تفاوت محسوس این صل این است حسکه باعلان بهترین طرد و بااردان ترین

شرکت شامنتاهی املانات سر اداره میمه بآذاد ا 

معرسه مترضطه دولتی سیر وس

واقع در طیابان شاه آباد امره ۲۷ ( قرب جلوخان مجلس ) در این حفقه چك کلاس لهيَّه تأسيس كردوقا دهم برج حوت سي المر شاكرد كالااقل شقى سأله داشله بأشندي وتروري د خو کت خاملنامی اعلاقات ه

رند المراد المرا

ه يتاركي تاسيس شده إطرز و سيسان جديد اروبا الله عكموا و كارت إستالهاي والك و - اد. - كيمه هاي دنيت والوان مخلفه - وآكر الدينهان وأرمابت سليقة اشخاش خراوران آرين قيمت بر ميداره - شنا حُر لوع اشاع حكاس ابن خريد ولمروش ميلهايد عُستُمليم ا 

( درکت عامتهای افلاتات )

4. - V. 14. 14.

# ب بورس لندن الله

🦠 قیت خامنره 💀

لير.	شلينك	يئس	اسره	شابنك	" بلس	منتكى
						مهام بالك شاهنشا می و قرضهٔ ۱۹۱۱ دولت أبران و متمارفی كمپالمی الهت جنوب و مامارفی حدید

		روس طهران 💮 بودس طهران
M	لدد ۱۰۰۸	و فروش
۱. در	ا توبورك من المال مال مال مال مال مال مال مال مال م	لندن مكتوس ١٥ ـ ١٥ - ١٥ الكرافي ١٠ ـ ١٥ - ١٥
5. : <b>Y</b> 4	اسالی	79 30 100 100
		719 L
V7	ايا لي د د د د د د د د د د د د د د د د د د	رویه بیش
	Small No non-in-mark to as and	

هطبعد بي سفول مديد